

نسل آینده در چنگال
سیاست مردگی

CRIME SCENE DO NOT CROSS





گزارشی تحقیقی و تحلیلی
در باب حملات شیمیایی
سیستماتیک به مدارس

کمیته تحقیقاتی جامعه زنان آزاد شرق کوردستان - کژار



داستان انتقام حاکمیت پیرسالار و مرد محور ایران از جامعه و پشاهنگانش، هیچ گاه تمامی ندارد. تاریخ اقتدار به خوبی نشان می دهد که حاکمیت، همواره در برابر جامعه جنگ اعلان نموده و نه تنها فکر گذار از این ذهنیت را ندارد، بلکه هر آنکه را مقاومت پیشه کرده، مورد هدف قرار می دهد. در طول دهه ی اخیر و بویژه پس از انقلاب ژن ژیان نژادی، این جنگ ویژه به اوج رسید. هر جا اعتراض وجود داشت، رژیم آن را اغتشاش می خواند. هر آنکه هویت خود را می طلبد، رژیم به او انگ اغتشاش گری می زند. از این رو زمین و زمان به هم میدوزد که آنان را سرکوب کند. در دوره های گوناگون شاهد حملات رژیم بوده ایم. اسلحه ی رژیم گاه اسید است و گاه باروت و در حال حاضر نیز مواد شیمیایی...! مکان حمله نیز گاه خیابان است و گاه خانه و در حال حاضر نیز مدرسه...!

از این رو کمیته تحقیقاتی کژار این بار سعی بر این دارد تا در گزارش پیش رو ، ضمن ارائه آمار مدرسی که مورد هدف حملات شیمیایی قرار گرفته اند؛ به چرایی حملات زنجیره ای به مدارس دخترانه پردازد و اینکه در مقابل این حملات، جامعه و خانواده های دانش آموزان چه وظایفی بر عهده دارند و راهکارهایی را برای مقابله با این حملات ارائه دهد.



خوب شد شمارو دیدم
به مدرسه رسیدم

مدرسه جا مدرسه
بچه چرله سرسه؟!

مدرسه؛ مدرسه یا آموزشگاه مکانی است که با هدف تأمین فضای آموزشی و آموزش به دانش آموزان توسط معلمان ایجاد گشته. در ایران اما؛ در این روزها به محلی برای آزمودن گازه‌های شیمیایی مبدل شده است. در ایران که باشی و زیر سایه‌ی سیستم مردسالار و جنسیت زده‌ی ایران زندگی کنی و به تحصیل پردازی؛ با موانع بسیار زیادی از جمله تبعیض طبقاتی و زبانی، حجاب اجباری برای دختران، تبعیض و خشونت آشکار دینی، تفکیک جنسیتی و ... روبرو خواهی شد. با نگاهی به تاریخ اقتدار ایران، خواهیم دید که تبعیضات فراوان علیه زنان صورت گرفته و این تبعیض فرم‌ها و شیوه‌های متفاوتی را به خود گرفته است. البته که مسائل مربوط به تحصیل زنان از این قاعده مستثنی نیست.

حق تحصیل برای زنان در تاریخ ایران همواره با تبعیض همراه بوده است و زنان در بسیاری از دوره‌ها از حق تحصیل برخوردار نبوده و در مواردی هم که دختران طبقه‌ی مرفه، اجازه‌ی تحصیل را داشتند نیز با تبعیضات زیادی نسبت به پسران روبرو بودند. مخالفت با تأسیس مدارس دخترانه در دوران قاجار و بعد از مشروطه هم با مخالفت مغزهای پوسیده‌ی آخوندها روبرو شد. امروزه نیز همان تفکرات، همچون دیواری بر سر راه دانش

آموزان قرار می‌گیرد. مدارس ایران، هم اکنون به سنگر نبرد مبدل گشته اند و دختران با حملات شیمیایی در مدارس مواجه می‌شوند. همانطور که می‌دانیم حملات شیمیایی از ۹ آذر ۱۴۰۱ در یک دبیرستان دخترانه در قم آغاز شده و به شیوه‌ی هدفمند و زنجیره‌ای بیشتر استان‌ها را در تمامی مقاطع و در هر دو مدرسه‌ی دخترانه و پسرانه فرا گرفته است و با وجود جانباختن دانش آموزان هنوز علت مسمومیت، نوع سم و تاثیر آن بر سلامت و آینده سلامت جسمی افراد مسموم شده مشخص نیست. نقطه‌ی اشتراک این مسمومیت‌ها پخش بویی نامطبوع در محیط مدرسه بوده که به بدحالی دانش آموزان انجامیده است. سرگیجه، سردرد، تهوع، استفراغ، بدن درد و بی حسی بدن از جمله عوارض گزارش شده در دانش آموزان مسموم شده بوده است. این حادثه با بستری شدن بسیاری از دانش آموزان در بیمارستان همراه بوده و با وجود بهبودی اغلب آن‌ها، گزارش‌هایی نیز از تداوم عوارض در برخی دانش آموزان منتشر شده است. صدمات ناشی از گازهای شیمیایی به حدی بوده که به روایت برخی از شاهدان در بیمارستان به گونه‌ای بوده که: «گویی که بچه‌ها از صحنه‌ی جنگ آمده باشند و یا از یک منطقه جنگی مصدومان را به بیمارستان آورده باشند».

با شروع انقلاب «ژن ژیان نژادی» همین دختران بودند که هر روز به صدای کوچه و خیابان تبدیل گشتند و فریاد ژن ژیان نژادی را به گوش جهانیان رساندند و هر روز جان تازه‌ای به انقلاب می‌بخشیدند، پس می‌توان گفت که حملات صورت گرفته علیه دختران، انتقام رژیم آخوندی ایران از آنان است که پایه‌های حکومتشان را به لرزه درآورده اند.

اصرار رژیم ایران مبنی بر افزودن مسمومیت در مدارس ما حاصل همکاری برخی مدیران و مستخدمان و شیادانی است که در این چند ماه راه را برای آنان هموار کرده‌اند. از این مدیران می‌توان به مدیر مدرسه نیایش سنه، با نام مخفف «ن» اشاره کرد. طبق گزارش شاهدان عینی مدیر این مدرسه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ با شیمیایی کردن مدارس هنوز حاضر به زنگ زدن به ۱۱۵ نشده و به خانواده‌ها تذکر داده تا زمانی که بچه‌ها حجابشان را رعایت نکنند اینکار را نمی‌کند. این شاهدان همینطور بیان داشتند که در این چند ماه بارها والدین خواسته‌اند از فرستادن فرزندانشان به مدرسه مبادرت ورزند اما این مدیر اجازه نداده و در جواب گفته است: «اگر قرار است من بمیرم بگذار آنها هم بمیرند.» و یا در نمونه‌ای دیگر می‌توان به روایت خود دانش آموزان اشاره کرد: «بعد از امتحان بود که من بویی احساس کردم و فکر کردم که یکی از بچه‌ها پرتقال سر کلاس آورده است، از بچه‌ها پرسیدم کسی پرتقال دستش نبود. یک لحظه خانم سبحانی، خانم فتحیان را برد بیرون، وقتی برگشت شش هفت ماسک زده بود و مقنعه‌اش را هم جلو دهانش گرفته بود. انواع بو

ترکیب شده بود، بوی جرم‌گیر هم می‌آمد. من بی‌حال شدم، چشمانم سیاهی می‌رفت، اول بچه‌ها به حرفم گوش نمی‌دادند، تا در نهایت همه متوجه بو شدند. رفتم داخل سالن خانم ویسی نگذاشت بیرون بروم، در را بست و از داخل آن را قفل کرد. با چندتا از بچه دست به یکی کردیم و هر طوری که شده در را باز کردیم.» این‌ها بخشی از روایت دانش‌آموزان در مدارس است. البته معلمان و مدیران شرافتمندی هم وجود دارند که در جهت محکوم کردن حملات شیمیایی به مدارس دست به اعتصاب زده‌اند یا اینکه استعفای خود را به عنوان اعتراض اعلام کرده‌اند.

هدف از تحصیل ایجاد رشد جسمانی، ذهنی و اجتماعی فرد است و اهمیت تحصیلات به منظور افزایش دانش و آگاهی انکارناپذیر است. ایجاد دانش، افزایش اعتماد به نفس، پیشرفت شغلی، رشد شخصیتی، ایجاد ارتباط بهتر و بیشتر با محیط و افراد جامعه و... از دستاوردهای تحصیلات به خصوص در سطح بالا به شمار می‌آید. حاکمیت ایران، با نقض کامل حقوق زنان همواره سعی داشته تا آنها را در جامعه حذف کند و عرصه فعالیت‌های اجتماعی و حتی هنری، اقتصادی و... را نیز بر آنان تنگ‌تر کند. در تازه‌ترین جنایت انجام شده علیه زنان، با حملات شیمیایی به مدارس و مسموم‌سازی زنان، سعی دارند آنها را از ابتدایی‌ترین حق خود نیز محروم کنند و به کنج خانه‌ها بکشانند، می‌توان تصور کرد که عواقب این جنایت تا چه حد گسترده خواهد بود. افزایش بی‌سوادی در زنان، نداشتن عزت نفس، افزایش کودک‌همسری، افزایش مشکلات جسمی و روحی در زنان، تربیت کودکانی ضعیف و ناآگاه به حقوق اولیه و تداوم چرخه‌ی ناآگاهی در سایه‌ی تفکرات غیرانسانی، زن‌ستیزانه و مردسالارانه. با گذشت بیش از هفت ماه از این حملات، دولتی که مدعی قدرت و برتری است هنوز نتوانسته عامل یا عاملان را شناسایی کند و مضحک‌تر آنکه پس از گذشت هفت ماه به عمدی بودن این حملات اعتراف کرد و پیش‌تر به کل منکر آن می‌شد. از سوی دیگر در حالی که هر اقدام و حرکت اعتراضی از چشم نیروهای استبدادی پنهان می‌ماند بی‌توجهی به کشف عامل این جنایت‌ها، دستور کار باندهای پنهان در «تاریک‌خانه‌های قدرت مافیایی» است.

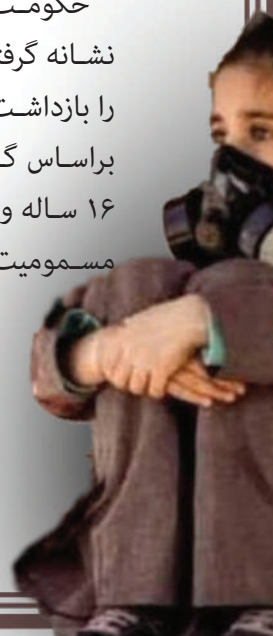
عدم اجازه بررسی عامل مسمومیت

شواهد حاکی از آن است تاکنون نمونه آزمایش هیچ یک از دانش آموزان به مراکز مخصوص تشخیص سم فرستاده نشده است و والدین از این عمل ناآگاه‌اند چرا که آزمایش‌های روتین و ساده از دانش‌آموزان گرفته شده که در آن تشخیص سم ناممکن است. این شواهد از چند بیمارستان شامل بیمارستان‌های اورمی، بوکان، مهاباد، سقز، پیرانشهر، نقده، قم، کرج و تهران از طریق کارکنان آزمایشگاه و اورژانس جمع آوری شده است. «از تمام دانش‌آموزان مسموم فقط آزمایش‌های روتین عادی گرفته می‌شود که در این آزمایش‌ها وضعیت کلی مثل بررسی کم‌خونی و کبد و چربی خون بررسی می‌شود.» «برای تشخیص مسمومیت حاصل از گاز آزمایشی تحت عنوان «بلاد گاز» از فرد مسموم گرفته می‌شود. آزمایش گاز خون میزان اکسیژن و دی‌اکسید کربن در خون را اندازه‌گیری می‌کند. همچنین برای تعیین PH خون یا میزان اسیدی بودن آن استفاده می‌شود. این آزمایشات معمولاً به عنوان آزمایش گاز خون یا آزمایش خون شریانی (ABG) شناخته می‌شود.» اینها سخنان دکترها و متخصصین در بیمارستان هاست که لاپوشانی رژیم ایران را برملا می‌سازد.

بازداشت شدگان:

حکومت برای طفره رفتن از وقایع و لاپوشانی این حملات انگشت اتهام را به سمت دانش‌آموزان نشانه گرفته و با سناریوسازی و اعترافات اجباری در همین زمینه چندین نفر از جمله ۳ دختر دانش‌آموز را بازداشت کرده است.

براساس گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر، سه دختر با هویت عرفانه هنر ۱۹ ساله، ستایش داروغه ۱۶ ساله و ستایش امیری ۱۷ ساله و همچنین دو مرد ۲۲ و ۵۰ ساله توسط نیروهای امنیتی و به بهانه‌ی مسمومیت سریالی دانش‌آموزان بازداشت شدند و آنها را وادار به اعتراف اجباری کردند.



بیانیه ها و ادعاهای حکومتی



در ادامه‌ی حملات بیولوژیکی به مدارس و مسمومیت شمار زیادی از دانش‌آموزان در شهرهای مختلف و مرگ چهار دانش‌آموز، وزارت کشور طی بیانیه‌هایی برای انحراف افکار عمومی و لاپوشانی جنایت‌های مستمر حکومت، آن را به افرادی مخالف حکومت نسبت داد. در این بیانیه‌ها از شناسایی و بازداشت بیش از ۱۰۰ نفر در استان‌های اورمیه، تبریز، سنه، خراسان رضوی که به گفته آنها در حوادث اخیر مدارس دست داشته‌اند، گفته اند. در بیانیه آمده است: « که در بین آنها افراد مرتبط با گروه‌های مخالف حکومت و با انگیزه‌های معاندانه و با هدف ایجاد رعب و وحشت در مدارس و ایجاد بدبینی نسبت به نظام نیز یافت می‌شوند.» همچنین در بیانیه‌ی این وزارت آمده است که «طبق

بررسی‌های انجام شده، افرادی از روی شیطنت یا ماجراجویی و با هدف تعطیلی کلاس درس و تحت تأثیر فضای روانی ایجاد شده دست به اقداماتی نظیر استفاده از مواد بدبو و بی‌خطر زده‌اند.»

در ادامه اما: «معاند نبودند، آزاد شدند»

یک روز پس از آنکه «علی خامنه‌ای»، نقش «افراد و گروه‌هایی» را در مسمومیت سریالی مدارس دخترانه تأیید کرد، وزارت کشور از دستگیری «برخی افراد» در پنج استان، در رابطه با حمله گازی به دانش‌آموزان دختر خبر

داد. وزارت کشور در حالی ادعا کرد «عاملان غیرمعاند آزاد شدند»، که روز گذشته و پس از انتشار سخنان علی خامنه‌ای، رییس قوه قضاییه نیز بدون برگزاری هر دادگاهی گفته بود: «اقدام برای مسمومیت دانش‌آموزان، از مصداق‌های اصلی افساد فی‌الارض است.» او همچنین وعده داده بود که «چنانچه عوامل این جریان شناخته شوند، بدون تردید طبق تعریف قانون، مفسد فی‌الارض هستند.» عوامل مسمومیت دانش‌آموزان و دانشجویان دختر در حالی ارشاد و آزاد شدند که آذر امسال، «محسن شکاری»، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری، تنها به جرم تلاش برای بستن خیابان اعدام شده بود. همچنان نیز تعدادی از معترضان با اتهام‌های مشابه، در خطر اجرای حکم اعدام به سر می‌برند.

مقامات رژیم جمهوری اسلامی و رسانه‌های نزدیک به رژیم، در رابطه با مسمومیت‌های سریالی مدارس و دانشگاه‌ها ادعاهای متفاوت و بعضاً متناقضی مطرح می‌کردند. «از دست‌داشتن بخش‌هایی از اپوزیسیون تا کشورهای خارجی در این مسمومیت‌ها، تا ادعای رواج «هیستری جمعی» در بین دانش‌آموزان و دانشجویان.» این ادعاها پس از سخنان ۱۵ اسفند ۱۴۰۱ علی خامنه‌ای، به تمامی نقض شد. علی خامنه‌ای، در سخنرانی در حاشیه مراسم سالانه درختکاری برخلاف روال معمول، این اقدامات را به «دشمن» و کشورهای غربی، یا حتی گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی منتسب نکرد، و تنها از نقش «افراد و گروه‌هایی» در این اقدام سخن گفت. این سخنان او از یک سو تاییدی بود بر اینکه عامل مسمومیت در داخل کشور است، از سوی دیگر نهادهای امنیتی را وادار کرد که به هر شکلی که شده، سریعاً افرادی را به‌عنوان عاملان این موضوع معرفی کنند. آزاد شدن عاملان مسمومیت بیش از هزار دانش‌آموز در صدها مدرسه طی چند ماه، نشان از «خودی» بودن آن‌ها می‌دهد و یا حداقل داشتن نسبت نزدیک به بخش‌هایی از رژیم.

از سویی دیگر محمدتقی فاضل‌میبدی استاد حوزه‌ی علمیه‌ی قم در گزارشی واقعیت مسمومیت دانش‌آموزان را تأیید و اعلام کرد گروهی موسوم به هزاره‌گرا سبب این مسمومیت‌ها هستند. طبق گفته‌های این استاد حوزه‌ی علمیه، گروه هزاره‌گرا با تحصیل دانش‌آموزان دختر مخالف بوده و معتقدند آنها نباید درس بخوانند و یا در نهایت باید تا سوم ابتدایی تحصیل کنند. گفتنی‌ست در امتداد انقلاب ژن ژیان نژادی زنان شهر قم نیز به پا خاسته و همراه با دیگر زنان آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی و زن‌ستیز مبارزه کردند و خواستار نابودی و براندازی نظام مردسالاری شدند. به همین دلیل است احتمال می‌رود مسمومیت سریالی دانش‌آموزان یک سیاست سازمان یافته و هدفمند برای ارباب و بازدارندگی دختران از تحصیل و مدارس است.



«گویی که بچه‌ها از صحنه‌ی جنگ آمده باشند و یا از یک منطقه جنگی مصدومان را به بیمارستان آورده باشند»

در پی حملات شیمیایی به مدارس و مسمومیت زنجیره‌ای دانش‌آموزان چندین سوال در ذهن تداعی می‌شود: چرا در وهله‌ی اول دانش‌آموزان دختر مورد هدف قرار گرفتند؟ چرا مدارس؟ علت زنجیره‌ای بودن حملات و هدف نظام چیست؟ با توجه به میانگین سنی دانش‌آموزان دختر می‌توان فهمید که در خیابان نیز، پیشاهنگان انقلاب ژن ژیان‌نازادی، همین زنان جوان بودند. در واقع، در طول این هشت ماه، از خیابان تا دانشگاه و مدرسه و زندان، به محل مقاومت زنان مبدل گشت. دختران کم‌سن و سالی که در مدارس فریاد ژن ژیان‌نازادی سر می‌دادند، در واقع از خیال رسیدن به آزادی سخن می‌گفتند. آنان خواستند که حروف الفبای آزادی را به خوبی یاد بگیرند و به آینده‌گان نشان دهند. دختری که از همان سنین کم، هدفش رسیدن به آزادی باشد و برایش مبارزه کند، به مانع جدی برای نظام مبدل می‌گردد. حاکمیت نیز با دانش بر این موضوع سعی کرد علاوه بر خیابان، مدارس را نیز مورد هدف قرار دهد. برخی از نهادهای

مختلف وابسته به دولت نیز این مسمومیت‌ها را یا رد و انکار کردند، یا آن را تصادفی خواندند. این در حالی است که هدف‌های دولت، کاملاً نظاممند و هدفمند بود. چرا؟

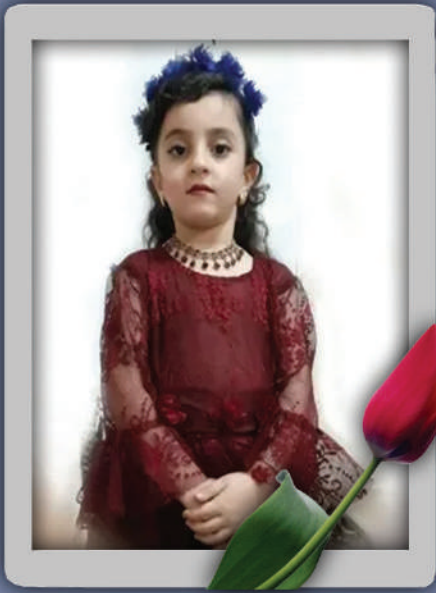
۱. در صورتیکه دانش آموز در سال‌های تحصیلش، به دنبال علم و دانش برای خدمت به جامعه و ایجاد آینده‌ای آزاد، باشد، نمی‌تواند به برنامه‌های حاکمیت خدمت کند و این بزرگترین خطر برای رژیم به شمار می‌آید. زیرا که خوانش رژیم از مدرسه و سیاست‌های اجرایی آن در این راستا، آموزش آنچه که خود می‌خواهد و تزریق آن به فکر و ذهن دانش‌آموز است. در طی این سیاست‌ها، فردی وابسته و بله چشم قربان‌گو به بار می‌آید، که نه تنها چالشی نخواهد داشت، بلکه می‌خواند تا در رژیم جای گیرد. دانش‌آموز قریب به ۱۳ سال در مدارس آموزشی درس می‌خواند که حقیقت زندگی را دریابد. این در حالی است که سیاست‌های آموزشی رژیم و ماتریال‌های آن، نه تنها حقیقت زندگی را کتمان می‌کند، بلکه به زندگی نیز خدمت نمی‌نماید. در اصل پیام اول رژیم به همین دانش‌آموزان دختر، این بود که خیال کودکی‌تان را سرکوب می‌نماییم که هیچ‌گاه به واقعیت مبدل نشود. اما در مقابل همین دانش‌آموزان دختر چه کردند؟ آنان نظام را به چالش کشیدند، نشان دادند که خیال آزادی از همان دوران کودکی، صورت می‌گیرد و در پی رسیدن به رمز و راز و حقیقت زندگی، جان فدا می‌کنند. البته که معلمان این مدارس نیز، در این راه فعالیت‌های بسیاری را انجام دادند. حاکمیت، معلمان را که به دانش‌آموزانش درس آزادی می‌آموخت را یا از مدرسه اخراج می‌نمود، یا مجبور به سکوت می‌نمود. این در حالی بود که دانش‌آموزان و معلمان مدارس، دست در دست هم مبارزه می‌کردند.

۲. همانطور که می‌دانیم در طول هشت ماه گذشته، از خانه تا خیابان، از مدرسه تا دانشگاه، به میدان و صحنه و سنگر مبارزه مبدل گشته بود. از یک سو، زنان و تمام آحاد و اقشار جامعه، علی‌رغم جو امنیتی ساخته شده از سوی رژیم، گرد هم می‌آمدند و به صدای یکدیگر مبدل می‌شدند و از سوی دیگر نیز رژیم از این اتحاد واهمه داشت. رژیم بخوبی نشان داد که از اتحاد و اجتماع دانش‌آموزان در مدارس ترس و واهمه دارد. از همین‌رو هر کاری انجام می‌دهد که آنان را متفرق سازد، اما این بار، وضعیت بسیار متفاوت بود. تصمیمات دانش‌آموزان در مدارس بطور جمعی بود و همین موجب دلگرمی دانش‌آموزان دیگر در مدارس می‌گشت.

۳. بیش از هشت ماه است نظام مردسالار و جنسیت گرای ایران، زنان را مورد هدف قرار می دهد. زنان قریب به هشت ماه است که تمام تعاریف از پیش تعیین شده‌ی حاکمیت ولایت فقیه را در هم شکسته اند. آنان دیگر نه تنها قربانی نیستند، بلکه پیشاهنگ فعالیت های گوناگون برای بر ساخت حیاتی آزاد هستند. چنین زنی به الگو برای سایر افشار جامعه و بویژه فرزندان این سرزمین می گردد. مادری که فرزند دانش آموزش را به مبارزه فرا می خواند، آگاه گشته است و فرد آگاه دیواری از اراده و دانش را در برابر این رژیم می سازد.

۴. مسمومیت سازی زنجیره‌ای دانش آموزان در شهرهای مختلف ایران، کاملا سازمان یافته است. در اصل نظام با عملکردش نشان داد که به هر شیوه‌ای که شده، هر آنکه حقش را بخواهد سرکوب می کند و مثلا درس عبرتش می کند. یعنی زندان و قتل و شکنجه و حال نیز مسمومیت سازی دانش آموزان، در راستای کتمان حقایق و تحمیل ذهنیت جنسیتگرا و پیرسالار خود به جامعه است. اینکه رژیم، به طور سیستماتیک به مدارس مختلف حمله می برد، دقیقا بدان معناست که خواهان تغییر و تحول در ذهنیت خویش نبوده و برای بهبودی وضعیت خویش گام بر نمیدارد.

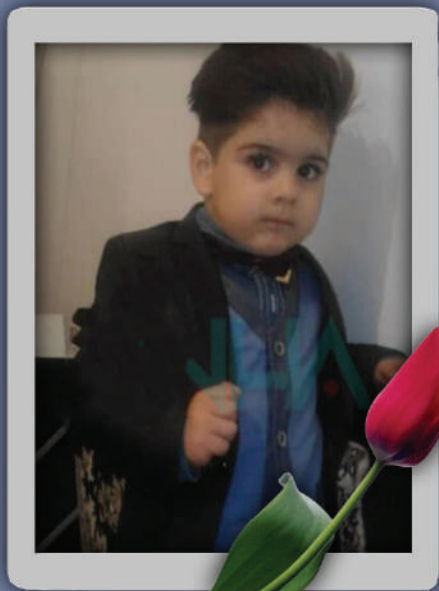




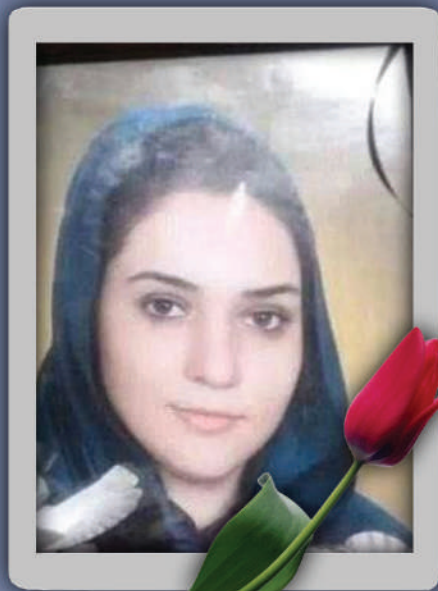
مهنا رحیمی مهر ۷ ساله اهل سقر



کارو شبادی ۱۶ ساله اهل کامیاران



کارین علمداری ۸ ساله اهل جوانرود



ساناز جمشیدی اهل دیپجان



فاطمه رضایی ۱۱ ساله اهل قم

سیاست های رژیم بر هیچ کسی پوشیده نیست. آنچه که روی می‌دهد، فاجعه است و باید چاره ای اندیشید. بیش از هشت ماه است که جامعه ی ایران، راهکارهای گوناگونی را برای تداوم انقلاب ژن ژیان نآزادی بکار گرفته است. از دانشگاه تا خیابان و مدرسه، شاهد اعتراض، اعتصاب و ... بوده، همین موجب شد که این قیام به یک شهر و یک نسل محدود نماند و تمام شهرهای ایران را در بر بگیرد. دستاوردهای بسیاری در طول این هشت ماه کسب گشته اند، اما برای دفاع و صیانت از این دستاوردها چه باید کرد؟ راه چاره چیست؟ برای هر فردی در جامعه ی ایران، این سوال پیش آمده که هدف از جنگ ویژه ی رژیم چیست؟ چرا پاسخ رژیم به درخواست های زنان و جوانان، یا زندان و شکنجه است و یا اعدام؟ سانسورهای فراوان بر مسائل و معضلات چیست و در نهایت چه باید کرد؟!



۱. پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی برای بار اول است که به شیوه‌ی گسترده شاهد اجتماعات و فعالیت‌های دسته‌جمعی دانش‌آموزان و دانشجویان می‌گردیم. شعارهای سر داده شده در مدارس و دانشگاه‌ها نشان از آشکار شدن سیاست‌های نظام برای قشر تحصیلکرده‌ی جامعه است. این دانش‌آموزان به سکوت تن ندادند، به عضویت سازمان بسیج دانش‌آموزی درنیامدند، تنها خواستند در جامعه سالم و آزاد درس بخوانند و به دور از تبعیض و تحقیر به تحصیل خویش ادامه دهند. این خواسته‌ی تمام دانش‌آموزان در ایران است و سیاست‌مردگی دولت ایران در حوزه‌ی آموزش و تحصیل نیز همانند سایر حوزه‌های دیگر، مشاهده می‌شود. پس در وهله‌ی لازم است، سیاست‌های نظام برای تمام دانش‌آموزان روشن گردد و مبارزه برای آزادی و جستجوی حقیقت به هدف مشترک همه‌ی دانش‌آموزان مبدل گردد. مثلاً روشن گردد که وظیفه‌ی یک دانش‌آموز صرفاً حفظ جملات موجود در کتابهای درسی نیست، بلکه لازم است در لابلای سطور کتابها، شیوه‌ی صحیح زیستن به دانش‌آموزان، آموخته شود، در غیر اینصورت پس از ۱۳ سال تحصیل و حتی بیشتر نیز، هیچ نتیجه‌ی مفیدی حاصل نمی‌شود. از سوی دیگر، دانش‌آموزان بدانند که هیچ کاری به تنهایی و یا از سوی گروهی محدود، به موفقیت نخواهد رسید. حاکمیت مسمومیت دانش‌آموزان را بصورت زنجیره‌ای انجام می‌دهد، تا گروه فعالین مبارز را از همدیگر فرو پاشد. اما در مقابل اتحاد بیش از پیش دانش‌آموزان مشاهده شد و همین اتحاد در نهایت به پیروزی خواهد رسید.

۲. علاوه بر دانش‌آموزان، معلمین در طول این مدت، فعالیت‌های بسیاری را انجام دادند. رسالت یک معلم حقیقی، نشان دادن راه صحیح و هشیار ساختن دانش‌آموزان، است. یک دانش‌آموز، معلم خود را به عنوان بهترین الگو قبول می‌کند. معلمین بسیاری در طول چند سال اخیر، به وضعیت خویش اعتراض ورزیدند، اما نظام نه تنها تغییر مثبتی در وضعیت آنان ایجاد ننمود، بلکه روز به روز وضعیت وخیم‌تر شد. از سوی دیگر، در طول هشت ماه گذشته، بسیاری از معلمین با اخطارهای آموزش و پرورش مواجه شدند. رسالت آموزگاران در مدارس، هشیار نمودن فکر و ذهن هاست. چنین آموزگاری محبوب می‌شود، حتی اگر حاکمیت او را اخراج کند. دانش‌آموزان به چنین معلمی گوش فرا می‌دهند و احترام می‌گذارند، نه مدیر مدرسه‌ای که به نهادهای دولت گزارش می‌دهد. پس لازم است در چنین شرایطی، معلمین در کنار دانش‌آموزان شان باشند.

۳. در کنار دانش آموزان و معلمان، حضور خانواده ها در چنین شرایطی از اهمیت خاصی برخوردار است. هم محیط خانواده و هم محیط مدرسه، در پروسه‌ی آموزش، از اهمیت خاصی برخوردار است. فرزندان در وهله‌ی اول، در محیط خانواده، آموزش می‌بینند. فراهم نمودن زمینه‌ی صحبت، پرسش و پاسخ، به چالش کشیدن مسائل و داده‌های اشتباه و همراهی آنان در چنین مواقعی، موجب می‌شود دانش آموز، به دنبال و کشف حقایق بگردد، نه اینکه برای نمره، یا مدرک تحصیلی بخواند. مادر و پدری فعال، فرزند خود را به شیوه‌ی آموزش می‌دهند که معیارهای رد و قبولش پر رنگ شود. چنین فرزند، هیچگاه تبعیض و تحقیر نظام آموزشی وابسته به حاکمیت را قبول نمی‌کند. بسیار شاهد بوده‌ام که دانش آموزان در مدرسه، به دلیل آنکه از زبان، هویت و موجودیت خود صحبت کرده‌اند، توبیخ خورده‌اند. حال نیز حاکمیت مردسالار ایران، انتقام خود را از دانش آموزان می‌گیرد، سکوت خانواده‌ها موجب می‌شود که نظام از جنایات خویش پروایی نداشته باشد. حضور مادران در مدارس و نگرهبانی‌شان در آنجا، گام عملی بسیار مناسبی در این دوران است و البته لازم است گسترش یابد.

۴. بر همگان روشن است که جنگ ویژه‌ی رژیم در این دوران بیش از هر مدت دیگری فزونی یافته است. علی‌رغم جنایات بارز و روشن حاکمیت ولایت فقیه، در طول این مدت، افراد وابسته به رژیم بیان داشتند که مسمومیتی در کار نیست و هیچ چیزی عمدی نبوده! حتی مسمومیت را کتمان نموده و سعی می‌کردند بستری گشتن دانش آموزان را نوعی حساسیت و بیماری دانش آموز جلوه دهند. با تمام سانسورها و بایکوت‌هایی که از سوی نظام صورت می‌گرفت، اما خانواده‌های دانش آموزان بارها و بارها اعلان کردند که فرزندان‌شان خط قرمزهای آنان هستند و برای حفاظت از جان‌شان، هر کاری انجام می‌دهند.

۵. علاوه بر اعتراضات داخلی علیه مسمومیت زنجیره‌ای و سیستماتیک دانش آموزان، در کشورهای مختلف خاورمیانه، حمایت‌های مختلف صورت گرفت. یکی از این اعتراضات در دانشگاه روزآوا در حسکه، به منظور پشتیبانی از دانش آموزان دختر صورت گرفت. این حمایت‌ها نشان می‌دهد که جامعه‌ی آزادیخواه در برابر نظام مردسالار می‌جنگد، حال فرقی ندارد در کجای این کره‌ی خاکی باشند.

در طول این مدت، اگر چه رژیم به شیوه های گوناگون سعی بر سرکوب انقلاب «ژن ژیان نازادی» داشت، اما راه به جایی نبرد و نخواهد برد. تمام فعالیت ها و مبارزاتی که از سوی دانش آموزان و خانواده های شان صورت گرفت، در راستای دفاع از هویت خویش و جامعه بود. در طول این مدت، زنان و جوانان نشان دادند خط قرمزشان، مسئله‌ی آزادی جامعه است. زنان و مردان شجاع در سراسر ایران جان فدا نمودند که این انقلاب ادامه داشته باشد و به اهدافش برسد. آنان جان باختند که از ارزش های جامعه صیانت به عمل آید. دفاع ذاتی در اصل بهمین معناست. اگر جامعه‌ی توانایی دفاع از خود را داشته باشد، دشمن هر اندازه که حمله نماید، به نتیجه نخواهد رسید. از همین رو می توان گفت، دفاع از هویت از خود و مبارزه در این راه، ما را به اهداف مان نزدیک می کند. تمام راهکارهایی که در این نوشتار از آن سخن به میان آمد، بخشی از گام های عملی دفاع ذاتی بودند، عبارتی همانطور که از نام واژه نیز پیداست، یعنی فعالیت هایی که در راستای دفاع از یک ذات و جوهره صورت می گیرد. یعنی دولت و حاکمیت از

هر ترفندی استفاده نموده که هویت ما را کمرنگ و نابود سازد، پس در وهله ی اول دفاع از هویت و موجودیت، مهم ترین امر است. اگر اعتراض و اتحاد در طول این هشت ماه به اوج رسید، یعنی حاکمیت ایران، هموژن است و تمام تفاوتندی ها را رد می نماید. یعنی درد مشترک همه‌ی خلق های ایران، حق زیستن است. از همینرو جامعه‌ی ایران بخوبی نشان داد که با اتحاد سراسری و مبارزه‌ی مشترک از ارزش های خلق شده در این مدت صیانت به عمل می آورد.

در ادامه لیستی از حملات شیمیایی به مدارس بر اساس تفکیک شهری به ترتیب تاریخ ارائه شده است.

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
هنرستان دخترانه نور یزدانشهر	قم	9 آذر 1401	1
مدرسه شبانه روزی پسرانه امام حسین	ساری	12 آذر 1401	2
مدرسه امام غزالی	سنه	۱۳ آذر ۱۴۰۱	3
مدرسه مولوی وردنجان - چهارمحال بختیاری	وردنجان	۱۹ آذر ۱۴۰۱	4
دبیرستان دخترانه نور	قم	۲۲ آذر ۱۴۰۱	5
دبیرستان دخترانه فرزندگان	اردبیل	۲۶ دی ۱۴۰۱	6
روستای شفیع	قوچان	۲ بهمن ۱۴۰۱	7
دبیرستان دخترانه فاطمیه قم	قم	۸ بهمن ۱۴۰۱	8
روستای موسی آباد تربت جام	تربت جام		
دبیرستان دخترانه فاطمیه	قم	۱۰ بهمن ۱۴۰۱	9
دبیرستان دخترانه بلقیس برقی	قم	۱۲ بهمن ۱۴۰۱	10
مدرسه قرآنتی پردیسان، مدرسه میثم تمار، مدرسه طاها، مدرسه امامی، دبیرستان شاهد رضویه	قم	۱۶ بهمن ۱۴۰۱	11
هنرستان الزهرا، هنرستان سیدحسن برقی، دبیرستان شاهد رضویه	قم	۱۷ بهمن ۱۴۰۱	12
دبیرستان ریحانه النبی، هیئت امنایی دخترانه	قم	۲۳ بهمن ۱۴۰۱	13

ردیف	تاریخ	شهر	مدارس
14	۲۵ بهمن ۱۴۰۱	قم	۱۳ مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه
		تهران	دبیرستان دخترانه محمودزاده
15	۲۶ بهمن ۱۴۰۱	رضویه	دبیرستان شاهد
16	۳۰ بهمن ۱۴۰۱	قم	یک مدرسه
17	۱ اسفند ۱۴۰۱	قم	۵ مدرسه دخترانه
18	۲ اسفند ۱۴۰۱	بروجرد	دبیرستان دخترانه احمدیه
		همدان	دبستان ابوذر غفاری شهرستان رزن
19	۳ اسفند ۱۴۰۱	بروجرد	دبیرستان دخترانه احمدیه
		قم	سه مدرسه
20	۶ اسفند ۱۴۰۱	بروجرد	دبیرستان دخترانه‌ی «احمدیه»
		قم	یک مدرسه
21	۷ اسفند ۱۴۰۱	لرستان	دبیرستان دخترانه ۱۵ خرداد و فرشتگان
		قزوین	دبستان دخترانه همت
		تهران	مدرسه دخترانه مبعث

ردیف	تاریخ	شهر	مدارس
22	۸ اسفند ۱۴۰۱	بروجرد	مدرسه پسرانه خیام و مدارس انقلاب، شرف اسلام‌آباد و مدرسه‌ی ابتدایی فرشتگان و پروین اعتصامی
		کرمانشان	مدارس دخترانه یاسین و شهیم
23	۹ اسفند ۱۴۰۱	تهران	دبیرستان دخترانه‌ی خیام در فاز یازده شهر پردیس، دبیرستان راه زینب
		بروجرد	دانشگاه آزاد
24	۱۰ اسفند ۱۴۰۱	تهران	دبیرستان دخترانه شهدای ۱۳ آبان، دبستان هاجر، دبستان یارجانی، دبیرستان امت، دبیرستان عصمت، امام حسن، مدرسه زراوند، دبستان جاجرودی، دبیرستان ۱۳ آبان، دبیرستان فردیس، دبستان خدا بخش، دبیرستان عصمت، مدرسه امام حسن، هنرستان پاپلی، مدرسه سیدالشهدا، فرزندگان تهرانسر، مدرسه امام حسین، و مدرسه مهدیه، مدرسه سما، مدرسه عفاف، مدرسه شمس و مدرسه رضوان
		اردبیل	مدارس دخترانه بهاران، سما، عفاف، فرزندگان ۲، ذاکر، دین و دانش، طیبه، هیئت امنایی، معراج، دامن، راه زینب و اندیشه
		کرمانشان	مدارس دخترانه ی مصباح، سپهر و آیت الله
		اصفهان	مدرسه دخترانه دانشگاه صنعتی
		شاهین شهر	مدرسه دخترانه ۲۲ بهمن

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
خوابگاه دخترانه «۱۷ شهریور»	کرج	۱۱ اسفند ۱۴۰۱	25
مدرسه دخترانه جنت	سنه	۱۳ اسفند ۱۴۰۱	26
یکی از مدارس دخترانه	اورمیه		
مدرسه‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی در عبدالآباد، دبیرستان عصمت و دبستان حجت در صفادشت، مدرسه‌ی احمد فاتحی در منطقه‌ی اسلام‌آباد و مدرسه‌ی دخترانه طباطبایی مشکین‌دشت	کرج		
دبیرستان دخترانه‌ی توحید	شهریار		
مدرسه‌ی دخترانه در شهرستان کوار استان	فارس		
مدرسه‌ی دخترانه در شهر	لاهیجان		
مدرسه‌ی دخترانه معصومه	کرمانشان		
مدرسه‌ی دخترانه	همدان		
مدرسه‌ی سرافراز و حمزه رفعتی	رشت		
مدرسه سید جمال‌الدین اسدآبادی، دبیرستان عصمت در صفادشت و دبستان حجت در صفادشت	تهران		
یک مدرسه	قم		

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
مدرسه دخترانه توانا	اهواز	14 اسفند 1401	27
شایستگان	فولادشهر		
مدرسه‌ی علاقمندیان	همدان		
دبیرستان دخترانه فاطمه سرداران	تبریز		
مدارس عصمت، زینبیه، خدیجه کبری در گیلان غرب کرمانشان دبیرستان دخترانه افشارنژاد، صداقت، سی متری طلاب-رسالت ۱۸ و اقبال لاهوری	مشهد		
مدرسه زینب	رامهرمز		
دبیرستان قدسیه	ایلام		
مدرسه نیمه شعبان گرمدره	کرج		
هنرستان فاطمیه، دبیرستان شاهد جاوید الاثر و هنرستان فاطمیه	همدان		
مدرسه کوثر	بندرعباس		
دبستان هجرت	یاسوج		
مدرسه دکتر معطری	شیراز		
دبستان کاشان	کاشان		
مدرسه صدیقه کبری، حضرت رقیه، فاطمه زهرا	آبادان		
دبیرستان توانا در شهرک دانشگاه، مدرسه عفاف، مدرسه دخترانه پایگاه هوایی ارتش	اهواز		

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
مدرسه سرداران	تبریز	14 اسفند 1401	27
دبیرستان سیدالشهدا	یزد		
مدرس دخترانه صبا در گوگ تپه	مهاباد	۱۵ اسفند ۱۴۰۱	28
دبیرستان دخترانه بعثت در شهر ریجاب از توابع دالاهو	کرمانشان	۱۶ اسفند ۱۴۰۱	29
خوابگاه علم‌الهدی دانشگاه	اصفهان		
خوابگاه قدس دانشگاه مدنی	تبریز		
دبیرستان پویش وابسته به دانشگاه در بهاران و مدرسه‌ی ادیب ابتدایی	سنه	۲۰ اسفند ۱۴۰۱	30
مدارس دخترانه‌ی کوثر و ستایش	اهواز		
مدرسه صدیقه کبری	آبادان		
دبیرستان احمدیه	بروجرد		
مدرسه دخترانه روستای بیساران منطقه‌ی ژاورود	سنه	۲۱ اسفند ۱۴۰۱	31

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
مدارس دخترانه‌ی شاهد ملامحموم محمدی، مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان کانی‌سور	بانه	۲۲ اسفند ۱۴۰۱	32
مدرسه‌ی دخترانه‌ی پویندگان و شهید اهدایی ماهشهر	خوزستان		
مدرسه دخترانه ۲۲ بهمن در محمدیار	نقده	۱۴ فروردین ۱۴۰۲	33
مدرسه‌ی نمونه دولتی مانده، مدارس راهنمایی و دبیرستان معراج و عصمت، مدرسه مستوره اردلان	سنه		
مدرسه دخترانه باغمیشه	تبریز	۱۵ فروردین ۱۴۰۲	34
دبستان آزادی	نقده		
منطقه‌ی دولت‌آباد	اصفهان		
مدرسه دخترانه ژیلما مقبل	سنه	۱۶ فروردین ۱۴۰۲	35
طلعت بهاری (عذرا) در منطقه ۱۰	تهران		
مدرسه دخترانه روشنگر در جهانشهر	کرج		
مدرسه دخترانه عجب شیر	تبریز		
مدرسه دخترانه سلامت	قم		

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
مدارس معراج، سما، آسیه، خلبان ذاکر، شاهد و زینبیه	اردبیل	۱۹ فروردین ۱۴۰۲	36
مدرسه‌ی هاجر	هفتکل		
دبیرستان دخترانه معراج، دبیرستان دخترانه طالقانی، دبیرستان دخترانه سمیه، مدرسه دخترانه بنت‌الهدی صدر، مدرسه دخترانه استقلال و مدرسه دخترانه عصمت	سقز	۲۰ فروردین ۱۴۰۳	37
مدرسه راهنمایی دخترانه شهید بهمنی و مدرسه دخترانه جماران	سنه		
دبیرستان فرزندگان	سنه	۲۱ فروردین ۱۴۰۲	38
دبیرستان دخترانه‌ی نرگس	خوی		
مدرسه‌ی دخترانه بنت‌الهدی	تهران		
مدرسه‌ی دخترانه‌ی صدر	کرج		
آموزشگاه دخترانه‌ی خیام	پردیس		
مدرسه‌ی دخترانه فرزندگان	اورمیه		
مدرسه‌ای در محمودآباد	مازندران		

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
دبستان دخترانه فهمیده	کامیاران	۲۲ فروردین ۱۴۰۲	39
دبیرستان دخترانه دین و دانش	آمل		
مدرسه دخترانه سعدی	اورمیه		
مدرسه‌ی دخترانه‌ی پروین اعتصامی و بنت‌الهدی	دیواندره		
مدرسه دخترانه حضرت معصومه	نقده		
مدرسه بهاران	اردبیل		
مدرسه دخترانه معروف شافعی و حاج صالح شاطری	مهاباد	۲۵ فروردین ۱۴۰۲	40
مدارس شرافت و خدیجه	سنه	26 فروردین 1402	41
مدرسه سلیمانی	کرج	27 فروردین 1402	42
مدارس طلوع و ستایس	تهران		
مدرسه معراج	اردبیل		
مدرسه طراوت	اورمیه		
مدرسه عترت	اسلامشهر		
مدرسه امانت	بابلسر		

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
هنرستان‌های دخترانه‌ی فجر و شرف، دبیرستان شاهد، عصمت و مدرسه ابتدایی ستایش	بوکان	۲۸ فروردین ۱۴۰۲	43
هنرستان اندیشه، راهنمایی ۱۷ شهریور، دبیرستان عصمت و دبیرستان خدیجه کبری	گیلانغرب		
مدرسه پروین اعتصامی	دیواندره		
مدرسه شهدای غزه	سقز		
دبیرستان آسمان	تبریز		
مدرسه دخترانه‌ی مولانا	اورمیه		
مدرسه نسیمیه	سنه		
هنرستان دخترانه	ماه‌دشت		
دبیرستان دخترانه امام جعفر صادق و مدرسه محمدباقر و دبستان ملک‌زاده	کرج		
مدرسه‌ی طلوع اسلام نارمک	تهران		
دبیرستان دخترانه‌ی عصمت و دبستان دخترانه‌ی نبوت در منطقه‌ی دولت‌آباد	کرمانشان	۲۹ فروردین ۱۴۰۲	44

مدارس	شهر	تاریخ	ردیف
پنج مدرسه‌ی دخترانه معراج، نسیمی، عصمت، مانده و مستوره اردلان	سنه	۴ اردیبهشت ۱۴۰۲	45
مدرسه نیایش و مستوره اردلان	سنه	5 اردیبهشت 1402	46
دبیرستان مجتبی جعفری	کرمانشاه		
دبیرستان عفاف	تهران		
مدرسه‌ی صالح علی محمدی	بانه		
مدرسه‌ی مجتبی جعفری، مدرسه میعاد، الهیه و کارخانه‌چی	کرمانشاه		
مدرسه‌ی بنت‌الهدی و معراج	سقز		



کمیته تحقیقاتی کزار

نسل آینده در چنگال سیاست مردگی



www.kjar.online



[KjarOnline](https://twitter.com/KjarOnline)



[@Kjaar2014](https://www.facebook.com/Kjaar2014)



kjardiplomasi@gmail.com



[@kjar_2014](https://www.telegram.com/@kjar_2014)



[kjar_2014_official](https://www.instagram.com/kjar_2014_official)

ژنت ژیان مازومی

